

تازه‌ترین سرودهای شاعران هندی در وصف امام زمان(عج)؛ ای منتظر که منتظرت هست یک جهان



شناسه خبر: ۱۳۶۸۵۸ شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۰:۴۰

جمعی از شاعران فارسی زبان هند تازه‌ترین سرودهای خود را به ساخت مقدس امام زمان(عج) تقدیم کردند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، شعر آیینی در هند، تاریخ و ریشه‌های عمیقی دارد. سرودن شعر آیینی در هند با ورود اسلام به این منطقه آغاز شد. با آمدن مسلمانان به هند، فرهنگ و ادبیات اسلامی نیز به همراه آن وارد شبه قاره شد. در طول تاریخ، شعر آیینی اسلامی در هند، تحت تاثیر فرهنگ و ادبیات هندی قرار گرفت و با آن ترکیب شد. این ترکیب فرهنگی و ادبی بین اسلام و هندوستان، شعر آیینی هند را به یک سبک خاص و منحصر به فرد تبدیل کرده است.

امروز نیز شاعران فارسی زبان بسیاری در هند شعرهای آیینی می‌سرایند، بسیاری از این شاعران مسلمان شیعه هستند و شعرهای باشکوهی در وصف ائمه اطهار دارند، جمعی از این شاعران به مناسبت نیمه شعبان تازهاترین سروده‌های خود را تقدیم ساحت مقدس امام زمان(عج) کرده‌اند، این سروده‌ها به شرح ذیل است:

بلرام شکلا - شاعر و رایزن فرهنگی هند در هند:

در انتظار شمایم، در انتظار شما
خزان بی‌بر و برگم پی بهار شما
پر از غبار غم و درد گشته است دلم
در انتظار شمایم، به رهگذار شما
چه شد که شمس رسید و چه شد که ماه دمید؟
به شوق دیدن رخسار ماهوار شما
گلان گلشن جان تشنه تشنه جان دادند
ندیده چهره ماه سمن عذار شما
مرید راه محبت! مشو ز حق نومید
که دوست، دشمن اگر شد، خداست یار شما
فنا شدم که محبان دگر نجویندم
خود انتظار شدم من در انتظار شما

مهدی باقرخان (دهلی نو، هندوستان):

فرش زمین و اوج فلک، زیر و رو کنم
باید تو را کجای جهان، جستجو کنم؟
گر لحظه‌ای وصال تو حاصل شود مرا
با یک نگاه کسب هزار آبرو کنم
باید به زخم‌های جگر، بخیه‌ای زنم
تا خون دل به اشک درون شستشو کنم

امشب شبیه لیلای قدر است، نازنین
فرصت بده که با تو کمی گفتگو کنم
آیا اجازه هست دمی از تو دم زنم؟
آیا اجازه هست تو را آرزو کنم؟
پیراهنم دریده شد از دست روزگار
قسمت نشد که تهمت خود را رفو کنم
شاید قبول بارگهت شد نماز من
در قتل گاه عشق، ز خونم وضو کنم

علی اصغر الحیدری (دهلی نو، هندوستان):

ای باعث سکونِ زمین و زمانِ جان
عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان
ای نقطه‌ی تداوم این کائنات ما
تاکی پس حجاب بمانی ز ما نهان
ای آنکه غایب از نگه و نزد شه رگم
در عشق تو قرار نباشد به نیمه جان
إِن فؤادی یلتهب من فراقک
أدرکنی مِن کآبتي ای جان جان جان
در صحن لحظه‌ها همه دم انتظار توست
ای منتظر که منتظرت هست یک جهان
آهوی دل رمید و قفس تنگ شد ز درد
کن لطف بی پناه به من، عیسی زمان
ای کاش کاسته شود از درد هجر من
تا کی درازی شب هجران شود عیان

عزیز مهدی (دهلی نو، هندوستان)

ابعادِ فکرِ آینه را ساده می‌کنم
خود را برای وصلِ تو آماده می‌کنم
حیرت به تارِ مویِ دلم چنگ می‌زند
تا سینه را به یادِ تو دلداده می‌کنم
در کوچه باغِ یادِ تو دل در اسارت است
جان را به عشقِ روی تو آزاده می‌کنم
با نورت، ای تلاقیِ ایمان و عقل و عشق!
دل را مسافرِ شبِ این جاده می‌کنم
افسانه‌وار، قلب من افسون نموده‌ای
فریادها که از تو پری زاده می‌کنم
جامی ز چشمِ مستِ تو جانِ مرا بس است
کی بی‌حساب، ترکِ می و باده می‌کنم؟!
از ره، غبارِ قافله دوست می‌رسد
تا سجده‌ای به مسجدِ سجّاده می‌کنم

انتهای پیام/

انتهای پیام/